

مسائل عربی

شماره ۶

مهر ۱۳۳۷

فهرست

- (۱) ده سال از کار مخفی حزب میگذرد صفحه ۱
- (۲) مبارزه درون حزب و ساترا لیسیم د مکراتیک " " ۴
- (۳) سبک صحیح در بحث حزبی " " ۱۴
- (۴) بخشنامه به واحدهای حزبی " " ۱۸
- (۵) اخراج از حزب " " ۲۱

دسسال از کار مخفی حزب مگدرد

پانزدهم بهمن ۱۳۳۷ دسسال از کار مخفی حزب مگدرد • طی این دسسال حزب ما مر احل گوناگونی از حیات خود را گذراند است • نخستین سالهای اختفاء حزب با اعتلاء جنبش ملی در ایران مقارن بود • حزب وارد عرصه فعالیت وسیع و پرشوری شد • طی این سالها رهبری حزب مرتکب یکرشته اشتباهات جدی سیاسی و تشکیلاتی گردید • این اشتباهات اثرات و خیم خود را بویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد شاه - زاهدی ، ناکامی جنبش رهایی بخش کشورمانشان داد •

شکست حزب ما سراز آغاز بحران داخلی حزب قرار گرفت • با آنکه پلنومهای چهارم و پنجم کمیته مرکزی گامهایی در راه خروج حزب از بحران برداشتند ، ولی هنوز نمیتوان گفت این بحران کاملاً خاتمه یافته است • هنوز خطر آنکه ادامه این بحران صفوف حزب ماراد چارتلاشی سازد اندک نیست • و بهمین جهت وظیفه مهمی که در برابر ما قرار دارد عبارتست از حفظ همه جانبه و وحدت صفوف حزب •

ارتجاع ایران و سازمانهای قهریه او برای امجا قطعاً حزب توده ایران تلاش فراوانی کرده و میکنند • شکنجه های غیرانسانی ، اعدامهای جمعی ، استفاده از ضعف افراد و واداشتن آنها به نگارش نفرت نامه ها و ادای نطقهای ندامت آمیز در راد یو ، انتشار کتب و مجلات ارتداد آمیز علیه حزب ما ، جنجال تبلیغاتی پرازاتهام و افتراء بقصد لجن مال کردن حزب و دستگاه رهبری آن و غیره و غیره چنین است فهرست ناقصی از این اقدامات •

ارتجاع بارها پیروزی قطعی خود را در زمینه امجا حزب توده ایران اعلام داشته است • در قبال این تلاش تیرب آلود ارتجاع برای محو حزب ما وظیفه مقدس انقلابی ما آنست که حزب توده ایران و ابیاتمام قوی حفظ و تقویت کنیم • نباید فراموش کرد که علی رغم تمام تاخات و تنازهای تبلیغاتی ارتجاع نام حزب ما در نزد قشرهای زحمتکش کشور عزیزو محترم است • حزب توده ایران بسب سنت مبارزات وسیع و مؤثر اجتماعی خود هم در کشور و هم در روراء مرزهای کشور شهرت و اعتبار فراوانی دارد •

اثرات مخرب بحران حزب و مزمن شدن آن وحدت صفوف ما را کامکان در معرض مخاطره نگاه میدارد • تردیدی نیست که در حزب مسائل مختلف سیاسی و تشکیلاتی وجود دارد که باید درباره این مسائل روش

متحدی در حزب پدید شود و ایجاد این روش متحد نیز کاری آسان نیست ولی تنه‌ازمانی تلاش و مبارزه در راه ایجاد یک روش متحد، در راه ایجاد وحدت اراد و عمل در حزب شمر بخش، خلاق و مقوی ارگانیم و وحدت صفوف حزبی است که در کادرموازیین حزب، در کادراجرأه اصل " وحدت - مبارزه - وحدت " انجام گیرد .

وقتی ما از وحدت صفوف حزب صحبت میکنیم البته منظور ما وحدت اصولی است نه وحدت غیر اصولی و مبتنی بر بست و بند و یا مسکوت گذاردن تضادها . ولی اگر مطلق کردن جهت و وحدت دادن شعار " وحدت بهر قیمت " حتی به قیمت مسکوت گذاردن و پایمال کردن اصول خطای بزرگ است، بنویسه خود مطلق کردن جهت مبارزه، مطلق کردن جهت بحث و نبرد بین نظریات، دادن شعار " مبارزه بهر قیمت " حتی به قیمت بیماری و ناتوانی و پریشانی دائمی حزب خطای کمتری نیست . فقط تناسب لازم بین جهت و وحدت و جهت مبارزه و وظیفه اساسی هر فرد حزبی است و در این دو جهت، جهت عمد و وحدت است بویژه در این شرایط دشواریات حزبه فقط وحدت بمثابة شرط حفظ و وجود است حزب مطرح است . نباید آنی فراموش کرد که دشمن علیه ما متحد است و ما وارد مبارزه ایمانی است . ما باید بنویسه خود به توحید صفوف خود در قبال او همت گماریم و برای استحکام وحدت این صفوف اهمیت فراوان قائل شویم .

ممکن است راه حلی که ارگانهای صالحه حزبی برای مسائل مورد تنازع می پذیرند گاه مورد پسند و موافق میل رفیق و یا رفقای نباشد . راه آن نیست که آن رفیق یا رفقا در قبال تصمیمات قانونی ارگانهای حزبی از طریق نقض موازین و اتخاذ روش لاقیدانه نسبت باصل وحدت ایستادگی کند . رفیق و یا رفقای مورد بحث میتوانند به مبارزه خود علیه تصمیمات و مقرراتی که آنها را صحیح نمی شمارند در چارچوب موازین سازمانسی و در ارگانهای صالحه ادامه دهند و حزب را به صحت نظر خود معتقد سازند .

اگر همه به ضرورت حیاتی حفظ و وحدت صفوف حزب که شرط موجودیت حزب ماست پی ببریم خواهیم توانست از این دوران پرمصائب سر بلند و متحد بیرون آئیم . بی اعتنائی به وحدت حزب موجودیت حزب را بخطر میاندازد . بی اعتنائی به وحدت حزب و تبعیت از تمایلات و خواستههای خود و قراردادن اندیشه و خواست خود بر فرامصلح جمع و حزب بی اعتنائی بمصالح حیاتی نهضت و منافع خلق ماست . بکوشیم تا مسائل مختلف متنازع سیاسی و تشکیلاتی را با روح احترام موازین سازمانی، با مراعات اصل " وحدت - مبارزه - وحدت " ، با حفظ انضباط آگاهانه، با طرد شیوه های نفاق افکنی و انضباط شکنی، بنحوی خلاق حل کنیم و حزب را در مرحله وحدت ارگانیک عمیقتری سازیم . اسلوب مبارزه درون حزبی در این مرحله از حیات حزب اهمیت فراوان کسب میکند . بی اعتنائی به اسلوب صحیح مبارزه و اتخاذ شیوه های که تنهادر مبارزه با دشمن طبقاتی در مبارزات بیرون حزب میتواند مفهوم باشد روشی است زیان بخش و باید از آن جدا حدر کرد .

تردیدی نیست که حزبها از این دین و شاه و ارحیات خود بگردیدند و ترو محکمترا از پیش میروند خواهد آمد و وثائق و شواهد بخرنجی را که در پیش دارد با سر بلند و بونحوی خلاق انجام خواهد داد . مساعی آن رفقای از لحاظ تاریخی مشهور خواهد بود که در این مسیر، در این جهت تلاش نموده و بخش خود را بکار برند .

مبارزه درون حزب و سایر الحسم و موکراتیک

تکامل هر پدیده نتیجه مبارزه اضداد در درون آن پدیده است. حزب طبقه کارگر نیز که ارگانسم تکامل یابنده ایست بناچار بر اثر مبارزه درونی رشد و تکامل می یابد. تصور حزب بدون تضاد و مبارزه درونی تصویری است غیردیاکتیکی و خارج از دنیای واقعیات.

اما اگر تضاد و مبارزه درونی حزب مطلق است تضاد و مبارزه کنکرت در داخل حزب نسبی و گذرا است. برای غلبه بر تضاد معین باید هر بار آنرا عمیقاً و همه جانبه مورد مداخله قرار داد و راه حل صحیح غلبه بر آن رایافت. حل تضاد کنکرت در داخل حزب بویژه هنگامی که مانند تضاد درونی حزب ماعمیق و پودامنه باشد بیکبار و بایک عمل قاطع امکان پذیر نیست. به تضاد درونی حزب ماکه خود شامل تضاد درون دستگاه رهبری و تضاد میان دستگاه رهبری و توده حزبی است نمیتوان بایک اقدام قطعی خاتمه بخشید. حل مبارزه درونی حزب مابناچار مراحل را خواهد پیمود که پلنوم چهارم کمیته مرکزی با شرکت عده معتابیهی از کادرهای حزبی بدون شک نخستین مرحله آن بشمار می آید. قطعنامه های این پلنوم و منجمله تصمیمات آن درباره اختلافات درونی دستگاه رهبری بعنوان قدم مؤثری برای حل تضاد داخل حزب در تاریخ حزب ماباقی خواهد ماند. اشتباه است اگر در ارزیابی پلنوم چهارم آنطور که پاره ای از رفقا مینویسند گفته شود: " کسانی که از نعمت بینائی محروم و یا توازن عقلی خود را از دست داده باشند میتوانند باین قدمهای جدی! دلخوش کنند". چنین طرز تفکری ناشی از قضاوت ذهنی است.

اگر مبارزه درونی حزب و غلبه بر آن تنها عامل رشد و تکامل حزب است ولی یک لحظه هم نباید فراموش کرد که این مبارزه هنگامی به تکامل حزب کمک میکند که در چهارچوب اصول و موازین حزبی صورت گیرد. هرگاه در مبارزه درونی حزب اصول و موازین تشکیلاتی از نظر گذاردن شوند این مبارزه نتیجه معکوس خواهد بخشید و به تفرقه و پراکندگی صفوف حزب خواهد انجامید. دریک حزب طراز نوین در هیچ اوضاع و احوالی و تحت هیچ عهوانی نمیتوان این اصول را نادیده گرفت و نقض کرد زیرا که آنها مستقیماً از جهان بینی حزب و تجارب دحضت کارگری جهانی نتیجه میشوند.

منظور ما از اصول تشکیلاتی البته اشکال سازمانی و شیوه های کار تشکیلاتی حزب نیست . اشکال و شیوه های کار تشکیلاتی در عین اینکه برای حزب طبقه کارکرد ارادی اهمیت فراوانی است میتواند در شرایط مختلف و متناسب با نوع کار و فعالیت حزب تغییر کنند . حزب همیشه آن شکل و آن شیوه کار تشکیلاتی را برخواهد گزید که در شرایط معین بهتر میتواند به انجام وظائف سیاسی که در برابر حزب قرار گرفته کمک نماید . حزب مادرتاریخ حیات خود و در موارد غیر عادی و دشوار اشکالی برای ساختمان خود بکاربرد که با اشکال مندرج در اساسنامه تطبیق نداشته است . بعنوان مثال میتوان پیدایش هیئت اجرائی موقت پس از ناکامی و عقب نشینی نیروهای دمکراتیک در آذرماه ۱۳۲۵ و همچنین به تشکیل پنجم وسیع چهارم اشاره نمود . مثالهایی نظیر اینها را میتوان در تاریخ احزاب مارکسیستی دیگر نیز پدید آورد . اشکال سازمانی نمیتوانند و نباید همانند سدی در برابر تکامل حزب بایستند . هرگاه وظائف حزب در اوضاع و احوال معینی ایجاب کند که شکل نویی جایگزین شکل مندرج در اساسنامه گردد میتوان در کادرموازمین سازمانی تغییرات لازم را ایجاد کرد .

اما اصول تشکیلاتی غیر از اشکال و شیوه های کار تشکیلاتی است . منظور از اصول تشکیلاتی آن اصولی است که بر اساس آنها حزب طبقه کارگرسازمان میگردد ، آن اصولی که بدون رعایت آنها حزب خصیلت طراز نوین خود را از دست میدهد ، وحدت اراده و عمل که عامل ضروری پیروزی در مبارزه علیه دشمنان است جای خود را به آشفتگی و پراکندگی میدهد . مغذالک بعضی ^(از طرف) چنین اظهار عقیده میکنند که " مقررات و اصول تاموعی محترم و قابل اجرا هستند که به پیشرفت نهضت کمک کنند هر وقت وجود آنها مانع و خار راه نهضت باشد باید شجاعانه دور ریخته شوند " بدین ترتیب اگر روزی عدای صلاح دانستند که پیشرفت حزب منوط به ایجاد فراکسیون در داخل حزب است باید " شجاعانه " باینکار دست زد . اگر چنین تصمیمی دست داد که ارگان مرکزی " خار راه نهضت " شده میتوان آنرا نادیده گرفت و در راه آن عمل کرد . فرض کنیم دستگاه رهبری حزب در سطح رهبری نباشد آیا این امر میتواند دستاویز نقض اصل سائترالیسم دمکراتیک گردد ؟ هرگز ؛ در هیچ شرایطی و بهیچ عنوانی نمیتوان اصولی مانند سائترالیسم دمکراتیک یا رهبری جمعی را نادیده گرفت و نقض کرد .

چیزی که هم اکنون در داخل حزب ما بیشتر بچشم میخورد همانا نقض صریح اصل سائترالیسم دمکراتیک است که ما ضروری میدانیم در اینجا مضمون آن را یاد آور شد و موارد نقض آنرا بر شماریم .

سائترالیسم دمکراتیک چیست ؟

سائترالیسم دمکراتیک عبارتست از ایجاد مرکزیت بر پایه دمکراسی و مکرسی از راه مرکزیت . سائترالیسم دمکراتیک مناسبات میان رهبری و اعضا^۱ حزب ، میان ارگانهای مافوق و مادون ، میان اعضا^۲ حزب و حزب را در مجموع خود منعکس میسازد .

سائترالیسم د مکرانیک د وجهت یک تضاد یعنی سائترالیسم و د مکرانسی رابطویر ناگسستی بهم پیوند
مید هد .

سائترالیسم بمعنی این است که :

۱- حزب برنامه و اساسنامه واحدی دارد .

۲- حزب دارای یک ارگان عالی رهبری است (کنگره و درفاصله میان د وکنگره ، کمیته مرکزی)

۳- کلیه ارگانهای حزبی تابع مرکزند ، ارگانهای پائین تابع ارگانهای مافوق ، اقلیت تابع اکثریت .

۴- د ر حزب یک انضباط آگاهانه و محکمی حکم فرماست که برای کلیه اعضا د حزب بد و ن استثنا یکسان

است .

د مکرانسی بمعنی اینست که :

۱- تمام ارگانهای رهبری حزب از صد رتانیل انتخابی است .

۲- هر ارگان رهبری موظف است منظمأ رهبر برارثانی که او را انتخاب کرده است گزارش د هد .

۳- طرح و بحث مسائل سیاسی و تشکیلاتی د ر جماع حزبی طبق مقررات حزبی از حقوق لاینفک

اعضای حزب است . ارگانهای حزبی موظفند به نظریات توده های حزبی گوش فراد آرند تجربیات آنها

را مطالعه کنند و برای حل مسائلی که د ر برابر آنها قرار میگردد بموقع راهبهای نشان د دهند .

بدرینقسم سائترالیسم و د مکرانسی د و روی یک مدال و د وجهت یک تضاد هستند که یکی بد و ن د یگری

نمیتواند وجود داشته باشد . د مکرانسی د ر و ن حزب به سائترالیسم می انجامد و سائترالیسم د مکرانسی

د ر و ن حزب را نظام می بخشد . د مکرانسی بد و ن سائترالیسم به اولتراد مکرانسیسم و لیبرالیسم و هرج و مرج

مبدل میشود و سائترالیسم بد و ن د مکرانسی د ر وجهت اعمال روشهای فرماندهی و د ستوری گرایش می یابد

لازم بتذکر نیست که د مکرانسی حزبی د ر شرایط کارمخفی ، هنگامی که د دشمن با تمام نیرو و وسائل خود

علیه حزب برمیخیزد و سازمان های آنرا د معرض ضربات شدید قرار مید هد بناچار محدود میگردد ، تشکیل

کنگره ها و کنفرانسها غیر منظم میشود . انتخابات ارگانهای رهبری اکثر جای خود را به انتصاب افراد

و امیگد ارد ، تماس و ارتباط مستقیم این ارگانها با توده های حزبی قطع میشود ولی د ر هر صورت د مران کار

مخفی با آنکه گاهی بطول می انجامد موقتی و گد را است . اینها مسائل بی است که هر یک از رفقای حزبی

میداند و مورد قبول او است ولی تنها قبول داشتن اصول تشکیلاتی کافی نیست . باید آنها را د عمل بکار

بست و د ر عمل و فاداری خود را نسبت باین اصول نشان داد . د ر شرایط کنونی عده ای از رفقای

حزبی اصل سائترالیسم د مکرانیک را شاید د ر گفتار می پذیرند ولی د ر واقع از د جز لاینفک آن فقط

د مکرانسیسم را حفظ کرده و سائترالیسم را کنارگذاشته اند . نتیجه این عمل پیدا یتر آشفتگی سازمانسی

و اختلال وحدت اراده و عمر د ر و ن حزب است که هیچ وجه مشترکی با د مکرانسی حزبی ند ارد و از

ریشه باد مکراسی در درون حزب طبقه کارگر مغایر است .

یکی از عوامل بروز اولتراد مکراتیسیم و تمایل لیبرالیسم کنونی عکس العملی در برابر سانترالیسم نسبتاً شدید گذشته است . حزب ماد رگد شده ، در دوران کار مخفی خود در مکراسی حزبی رامحدود کرد و سانترالیسم را تقویت نمود . البته برای دستگاه رهبری در یک دوره کوتاهی امکان داشت جلساتی از کادرها تشکیل دهد و مسائل حاد سیاسی و تشکیلاتی روز با آنان در میان گذارد ، از نظریات آنان مدد گیرد . چه بسا با تشکیل چنین جلساتی در دستگاه رهبری میتوانست پاره ای از اشتباهات خود را بموقع اصلاح کند و خط مشی صحیحی اتخاذ نماید .

جز در این دوران کوتاه که امکاناتی برای استقرار بیشتر مکراسی در درون حزب وجود داشت عمل در دستگاه رهبری در تقویت سانترالیسم در دوران کار مخفی عملی علی الاصول درست و منطبق با اصول تشکیلاتی بوده است . معذالک این سانترالیسم در ارتباط با اشتباهات سنگین دستگاه رهبری و شکست نیروهای مکراتیک سرچشمه افکار اولتراد مکراتیک کنونی حزب ما است که کار را بهرج و صرچ کشانیده و اگر بان خاتمه داده نشود بیم آن میرود که همین باقیمانده حزب نیز دچار تلاشی کامل گردد .

مضمون اساسی اولتراد مکراتیسیم چیست ؟

مضمون اولتراد مکراتیسیم عبارت از این است که اعضا و سازمانهای حزب اکثر آزادانه و بدون هیچ قید و محدودیتی در داخل حزب عمل میکنند . راهنمای آنها در اتخاذ روش آنها نظریات شخصی و گاهی نیز منافع خصوصی است . پاره ای از آنها باثباتی ندارند از اینکه هر چه بر زبان آید بگویند ، هر چه که زیر قلم آید بنویسند ، بهر کاری که رای آنها بر آن قرار گرفت دست بزنند . آنها در دستگاه رهبری و تصمیمات آنها نادیده میگیرند و انضباط حزبی را نقض میکنند . حال آنکه اصل سانترالیسم در مکراتیک حکم میکند که تصمیمات و دستورات دستگاه رهبری برای کلیه افراد حزب لازم الاجرا باشد .

حال به بینیم اولتراد مکراتیسیم بطور مشخص بچه شکلی بروز میکند .

۱- تضعیف دستگاه رهبری

عدم ای از رفقا با اعتقاد راسخ به اینکه وظیفه نجات حزب از بحران کنونی بعهده رفقای است که در مهاجرت بسر میبرند و به بهانه اینکه گویند دستگاه رهبری در راه تکامل و پیشرفت حزب بسدی تبدیل گردیده است تمام نیروی خود را در راه تخریب این سد پیکار انداخته اند . اما بجای آنکه تخیب دستگاه رهبری را از طرق حزبی و طبق اصول تشکیلاتی تامین نمایند آنها سهلترین راه را انتخاب کرده اند و آن این است که رهبری موجود را از اعتبار بیاورند ، اتحارته آنها را پائین آورند ، بدین ترتیب پایه آنها را سست کنند ، آنها را بخيال خود از سر راه بردارند اما هر چه باشد دستگاه رهبری منتخب کنگره است هیئت اجرائیه کنونی منتخب پنجم وسیع چهارم است که در پنجم پنجم نیز مجدداً و حتی با اکثریت بیشتری از افراد کمیته مرکزی انتخاب شده است بهمین جهت این رفقا پنجم هارا نیز که گویند رطرق حزبی گام برنداشته اند و بوظائف خود عمل نکرده اند تخطئه میکنند ، محکوم میکنند و مورد سرزنش و توبیخ قرار میدهند .

بیمبارات زیرکه ازنامه ای استخراج شده توجه کنید :

" مانه تنهاهیئت اجرائیه را محکوم میکنم بلکه پلنوم پنجم رانیز مورد سرزنش و سزاوارتوبیخ میدانیم . پلنوم راکه بشدت درکارهائی غرق شده که فقط درصورت وجود حزب درایران میتوانست دارای اهمیت درجه اول باشد شایسته توبیخ میدانیم .

..... این عمل پلنوم رابخوان یک روش درنباله روی و پاسیف محکوم میکنیم "

ازیک نامه دیگر :

" بهرحال اگرپلنوم وسیع نظیرپلنوم چهارم باشد یعنی محکومین ، مقصرین ، دسته بازان وخرابکاران وآنقدریستنها رابرهبری حزب تحمیل کنیم "

ازیک نامه دیگر :

" تقاضای مکررحوزه های حزبی برای تشکیل پلنوم برایاین نیست که عده ای درهرهم جمع شده و یک سلسله شعارهای قالبی وبدون پشتوانه روی کاغذ بیاورند . "

کدام حزب راسراغ دارید که درآن یک حوزه حزبی مرکب ازچندرفیق اینگونه باران محذومیت وتوبیخ وسرزنش رابرسرد ستگاه رهبری وپلنوم های آن نه باشرکت عده های کم وبیشرازکادره های حزبی برنزارشده بباراند یا یک عضو حزب درهرمقامی که باشد باعضای دستگاه رهبری حزب باچنین کلمات ناشایسته ای خطاب کند .

رهبری حزب آنکونه که پاره ای ازرقفا عقیده دارند جداومنفک ازحزب نیست . هرضروریانی که بدستگاه رهبری وارد آید هرحمله یا هجومی که بدستگاه رهبری درمجموع یا فرد یا اغیراد جداگانه ای ازآن صورت گیرد حمله غیرمستقیم بحزب است ؛ بحزب زیان میرساند . دراینموقع دشوارکه حزب راباید باکلیه قوا تقویت کرد تا بتابد بتدریج مراحل بحران رایکی بعد از دیگری پشت سرنگدارد و دربرابر دشمن نیروی از دست رفته خود رابیدست آورد . حملات بدستگاه رهبری جزتهدیفات حزب و تفرقه صفوف آن نتیجه دیگری ببارنخواهد آورد .

۲- فعالیت افراد وسازمانهادرورا دستگاه رهبری

قبول این امرکه دستگاه رهبری کنونی " سد " راه پیشرفت و تکامل حزب است رفقای حزبی راپایین نتیجه میرساند که باید لااقل تاموقعی که " سد " از میان برداشته شود افراد ورزد و درورا آن طبق نظریات خود عمل کرد . سازمانهای حزبی ، بدون اطلاع رهبری با یکدیگر ارتباط میگیرند . نظریات خود رابا یکدیگر در میان میگذارند تصمیمات سازمانها رابرای افراد یا سازمانها میگیرند . طبیعی است چنین شیوه عمل ، هیچ وجه شبهیی با اصل سانترالیسم دمکراتیک ندارد و از آن ممکن نیست نفعی عاید حزب گردد . عجب نیست که پاره ای ازرقفا میخوانند این رفتار غیرحزبی خود را صورت قانونی دهند وینام تدارک پلنوم

وسیع آینده از هیئت اجرائیه می نمایند که تمام وارتیاجا میان سازمانها را مجاز گردانند *

شما یک حوزه حزبی ساده را تصیر کنید که در آن مسئله مهمی باید مطرح شود ولی افراد حوزه بجای آنکه از صدر حوزه اجازه گرفته و نظریات خود را برای حوزه مطرح نمایند و در پایان ، صدر جلسه مسائل مطرحه را ترانژندی کرده و نتیجه آنها را از تصویب حوزه بگذرانند و بعد و باید یکدیگر نیرو و تبادل نظر سپرد از نزد بدیهی است از چنین جلسه ای نتیجه ای بدست نخواهد آمد * رفقای حزبی که چنین کاری را در مقیاس یک حوزه جایز نمیدانند و بدان ترتیب نیز عمل نمی کنند در مقیاس حزب بدین شیوه غیر حزبی توسل میجویند گویا باین علت که موضوع دستگاه رهبری مطرح است و در حال این مسئله همه اتفاق نظر دارند * این رفتار بیبیه و تصیر میکنند که در کم و کیف بهبود دستگاه رهبری کلیه اعضا * حزب در مهاجرت باید یکدیگر محققید و همدستانند * در این زمینه نظریات گوناگونی ابراز میشود که گاهی نیز در وقت مداخله قرار دارند فقط بامثالعه و بررسی نظریات گوناگون و متضاد است که میتوان بالاخره راه حلی برای این مسئله بخرنج پیشنهاد کرد که سرانجام بمصالح و صرفه حزب باشد * و اینکار جز از راه مرکز رهبری امکان پذیر نیست *

بعضی دیگر از رفقا تقاضا دارند مجله ای انتشار یابد که در آن هر یک از رفقای حزبی آزادانه و بدون هیچگونه محدودیتی نظریات خود را در کلیه مسائل سیاسی و تشکیلاتی برای اطلاع حزب منعکس سازند نقشی که هر ۱۰ * در اینجا مازی خواهد کرد در حقیقت عبارت از تهیه وسائل مادی انتشار چنین مجلهای است که از عهد و تقاضا کنندگان خارج است * آيا شما حزب طراز نوینی را سراغ دارید که جهان بینوسی مارکسیستی - لنینیستی را راهنمای خود قرار داده باشد و در داخل حزب یک تریبون آزاد و بی بند وباری برای ابراز عقاید متنوع و مختلف بوجود آورد ؟ برخی رفقا مینویسند " این مقایسه صحیح نیست که چون در هیچیک از احزاب چنین عملی انجام نگرفته در حزب ما هم نباید انجام گیرد * " این رفقا اشتباه میکنند در حزب سابقه کارگر چنین " آزاد بیهائی " که حاکی از لیبرالیسم است مجاز نیست * شیوه کار رفقای که مرکز رهبری را نایبیده گرفته و در ورا * آن عمل میکنند مغایر با اصول تشکیلاتی حزب طراز نوین است و نمیتوانند بسود رفق بحران حزب ما پایان پذیرد *

۳- انتقاد بعنوان سلاح حمله به رهبری

در شرایط پراکندگی تشکیلاتی و تشتت فکری حزب ما در مهاجرت پشتیبانی از دستگاه رهبری و تقویت آن یکی از عوامل عمده در رفق بحران کنونی حزب است * دستگاه رهبری تشتت و پراکندگی را تشدید میکند * و حزب را از یک مرکز رهبری واحد که شریک اساسی وحدت حزب است محروم میسازد * در برابر یک ارتجاع عنان گسسته که برای جلوگیری از بسط جنبش خود ای با تمام وسائل مجهز است نهضت آزادی بخش ایران یک حزب طراز نوین متحد و یکپارچه احتیاج دارد که بتواند بتدریج بان نیروی اتحاد بر مشکلات غلبه کند * موانع رایک بیک از سررا بردارد و با احیا * سازمانهای حزب بد ایران توده های پراکنده مکتوم را برای مبارزه با ارتجاع بسیج کند * تضعیف مرکز رهبری حزب در جهت منویات ارتجاع عنان گسخته سیاه

و بطور ضمنی تقویت نیروهای آنست .

حتما با زرفقا ذکر این حقیقت تلخ را بحساب تهدید اعضای حزب توسط دستگاه رهبری خواهند گذاشت و به اعتراض خواهند پرداخت ولی هیچگونه اعتراضی واقعیت سرسخت را نمیتواند قلب کند . بدیهی است تذکر این امر باین معنی نیست که رفقا نباید نقاظ ضعف کار رهبری را پیدا کرده و متذکر شوند . انتقاد در داخل حزب یا پیدا کردن نواقص و معایب و غلبه بر آنها مهمترین طریق تکامل حزب است کنترل از پائین اگر بدبستی صورت گیرد خواهد توانست فعالیت حزب را رونق بخشد ، اشتباهات حزب را بسرعت اصلاح کند ، نواقص کار را برطرف سازد . هیئت اجرائیه پیوسته از رفقا خواسته است که از ابـراز تذکریات خود در کلیه مسائل سیاسی و تشکیلاتی دریغ ننمایند اما این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که آن بحث و انتقادی حزب را به تکامل میرساند که آموزنده و خلاق باشد . راهنمایی کند از همه مهمترین تحکیم صفوف حزب و افزایش حیثیت و اعتبار آن کمک نماید . انتقاد رفقا در غالب موارد فاقد خصوصیات فوق است و بصورت خرد و گیربها و بازی با کلمات تظاهر میکند . گاهی نیز انتقاد رفقا بحالت ناکافی بودن اطلاعات آنها وارد نیست . ولی در همه حال لحن انتقادات متعروضانه ، عتاب آمیز و عاری از حجب و فروتنی است . یکی دو نمونه زیر بعنوان شاهد مثال کافی است .

ارزیابی یکی از سازمانهای مادر باره " بولتن اخبار " در ایران چه میگذرد " این است که این بولتن " یکساهی برای ما ارزشمند است " و سپس اضافه میکند که غیر از اخبار نرفت که بهم باید بعقیده این رفقا مفصلتر و کاملتر در اختیار رفقا قرار گیرد " بقیه اخباری سرورته بی ارزش و مضحک است " این است یک نمونه از انتقاد و اظهار نظر رفقا .

نمونه دیگر :

نامه ای از يك عده از رفقا در باره یکی از ملاکهای دعوت پنجم ششم ، ملاک کمیته مرکزی سازمان نظامی رسیده است که در مقدمه آن چنین گفته میشود .

" تعجب در این است که چگونه ک . م . حزب از وضع سازمانی یکی از سازمانهای اصلی خود تا این اندازه بی اطلاع است که عنوان بی مسمی و عاری از حقیقت راحتی رسام در نامه درج و در اختیار کلیه کادرها و حوزه ها میگذرانند . تصور مینمائیم اکثریت اعضای کمیته مرکزی بحالت دور بودن از این سازمان و اینکه سازمان نظامی فقط در تحت مسئولیت چند عضو کمیته مرکزی بوده از محتوی سازمان اطلاع دقیقی ندارند . "

با خواندن سطور فوق خواهند انتظار دارند که این رفقا بی اطلاعی کمیته مرکزی را ترمیم کنند و يك گوشه

از تاریخ سازمان نظامی را روشن سازند .

از توضیح رفقا معلوم میشود که در سال ۱۳۲۹ سازمان افسری يك هیئت دبیران هفت نفری داشته

است در صورتیکه بررسی جریان نشان میدهد که رفقا هم در مورد دستگاه رهبری سازمان وهم در مورد تعداد اعضای آن در تاریخی که بدان اشاره شده در اشتباهند. با اینحال در صحت نظریات و اطلاعات خود ذره ای هم تردید بخرج نمیدهند.

۴- نقض انضباط حزبی

یکی از نتایج مستقیم روشی که بعضی از رفقای حزبی در قبال رهبری اختیار کرده اند عدم تبعیت از مرکز، عدم تبعیت اقلیت از اکثریت و نقض صریح و آشکار انضباط حزبی است. پاره ای از رفقا به صحت نظریات و وسعت معلومات و اطلاعات خود چنان باور دارند که شنیدن نظریاتی مغایر با آنچه آنها در ذهن خود میپورانند موجب برآشفنگی آنان میگردد یا اینکه اگر پلنوم چهارم شرکت نکرده اند تصمیمات آنرا ناقص میدانند زیرا پلنوم از نظریات و اطلاعات آنها استفاده نکرده است و آراء آنها در جزء آراء پلنوم بحساب نیامده. همواره هستند رفقای که تصمیمات پلنوم چهارم و پنجم را بعنوان اینکه با آنها مخالف بوده اند قبول ندارند و بموقع اجرا ننگذاردند و تنگذاردند در صورتیکه اصل تبعیت اقلیت از اکثریت امری حتی در احزاب بورژوازی نیز متداول است.

پاره ای دیگر از رفقا چون با بعضی از تصمیمات رهبری نظر موافقی ندارند یا برخی ثبات دستورهای راکه داده میشود زائد تشخیص میدهند از اجرای آنها سر باز میزنند.

انضباط حزبی شرط اساسی شکل سازمان است نقض یا سست کردن آن پایه تشکیلات راست میکند رفقا در مکرسی حزبی را تا درجه نقض یا سست کردن انضباط تنزل داده اند غافل از اینکه در مکرسی حزبی برای تضعیف انضباط یا شکستن آن نیست، برای تحکیم آنست. تشکیلات پراکنده ما امروز بیشتر از هر چیز بوحثت نیازمند است وحدت جزا ز راه تحکیم انضباط، انضباط آگاهانه دست نمیدهد. رفقای که فکر میکنند با سست کردن و شکستن پایه انضباط به تحکیم تشکیلات و تضعیف بحران کمک میکنند در اشتباهند.

۵- مخالفت در شهر با سازمانها و اعضا حزب

اکنون در داخل حزب ما "د مکرسی درون حزبی" "خط مشی توده ها" اینطور تعبیر میشود که هیئت اجرائیه بدون مشورت با سازمانها و رفقای حزبی حق اتخاذ هیچگونه تصمیمی را ندارد. مسائل ابتدا باید طرح شوند، حوزه ها درباره آنها بحث و اظهار نظر کنند سپس هیئت اجرائیه بر پایه نظریاتی که بدین ترتیب ابراز شده تصمیم اتخاذ نماید. حتی پس از اتخاذ تصمیم در پارهای موارد در اجرای آنها رفقا برای خود حق نظارت قائلند برای آنکه تصمیم بدستی بمرحله اجراء آید. این طرز تفکر که ناشی از درک نادرست در مکرسی حزبی، مشی توده ها است در حقیقت یاد مکرسی حزبی، مشی توده ها هیچ وجه مشترکی ندارد تحقق این طرز تفکر یعنی نفی وظیفه رهبری، سلب مسئولیت از هیئت اجرائیه است و با هیچیک از موازین اصولی حزب تطبیق نمیکند. درست است که دستگاه رهبری باید پیوسته بصدی توده ها و منجمله توده های حزبی گوش فرادهد، از آنها بیاموزد ولی این بدان معنی نیست که دستگاه رهبری نمیتواند

و نباید هیچ تصمیمی بدون مشورت با رفقای حزبی اتخاذ کند. رهبری منتخب پلنوم باید به بهترین وجه خط مشی که از طرف پلنوم ترسیم شده بمورد اجراء آورد و گزارش دهد. رهبری میتواند درباره هر مسئله ای که ضروری تشخیص دهد با افراد یا سازمانهای حزبی مشورت کند ولی پس از مشورت اتخاذ تصمیم با خود رهبری است و اجرای آن نیز در حیطه مسئولیت او خواهد بود.

گاهی نیز اتفاق میافتد که رفقا سرخود بدون اطلاع هیئت اجرائیه تصمیماتی میگیرند و آنها را بمورد اجراء میگذارند. این کار نظیر همین ماههای اخیر به سست شدن پایههای تشکیلاتی سازمان مهاجرت کمک کرده به بحران شدت بخشیده و هم سیاست حزب ما در مورد پاره ای مسائل مهم زیان رسانیده است. شمامد را حزب بورژوائی هم بچنین پدیده ای بر نمیخورد.

۶- حملات علیه اشخاص

مبارزه درون حزبی موقعی عامل تکامل حزب است که بخاطر پیشرفت این یا آن اصل، بخاطر این یا آن هدف مخاطرات این یا آن طریق مبارزه برای رسیدن به هدف صورت گیرد. مبارزه ای که مبتنی بر حملات شخصی، بد گوئی، اتهام و تلافیر آن باشد گذشته از اینکه مخالف با اصول مبارزه و موازین تشکیلاتی حزب است از لحاظ پیشرفت حزب نیز نتیجه معکوس میبخشد و بجای پیشرفت حزب را به قهقرا می کشاند. این شیوه مبارزه هرگز به پیروزی نخواهد انجامید و سرانجام به شکست کسانی که بان توسل میجویند پایان خواهد یافت. تجربه گذشته حزب ما باید برای رفقای که باین طریق ننگهید مبارزه دست میزنند درس عبرتی باشد.

سازمان در مهاجرت یکبار دیگر در وضع آشفته و نامطلوبی بسر میرود که ادامه آن نمیتواند در سرنوشت عمومی حزب مایه و ن تاثیرات منفی باشد. پلنوم چهارم و نتایج حاصل از آن اقدامات توضیحی که در سازمانهای ما در مهاجرت صورت گرفت تا حد و حد زیادی آرامش پیدا آورد. در ماههای اخیر این آرامش نسبی بر هم خیزد و مرحله جدیدی از بحران آغاز گردید که در واقع شدید تر از موج نخستین بحران است و هرگاه برای تخفیف و رفع آن اقدامی نشود بیم آن میرود که ضربه تازه ای بر پیکر حزب ما وارد آید. عواملی که موجب بریز موج جدید بحران شده متنوع است آنچه که در اینجا میتوان یاد آور شد این است که رفقا مسائل مبتلا به حزب را در انطباق با شرایط عینی، در کادرا مکانات موجود طرح نمیکند بهمین جهت بحث درباره این مسائل جنبه انتزاعی بخود میگیرد و نتایج حاصل از آن بانکه از لحاظ تجربی منطقی بنظر میرسد با حقیقت وفق نمیدهد.

در کار اجتماعی مسائل سیاسی و تشکیلاتی را پیوسته باید در کادرا مکانات موجود مطرح کرد، برای آنها در کادرا مکانات موجود راه حل جست. رفقای حزبی مشکلاتی را که در سر راه تجدید سازمان و

فعالیت حزب قرار گرفته یا مطلقاً نمی بینند و یا آنها را بد رستی ارزیابی نمیکنند . رفقا بعزت زندگی در مهاجرت ، بریدی از فعالیت عملی فقط احکام را رعایت و توجه ندارند که برای تحقق بخشیدن به هر حکم کوچک در عمل اشکالات فراوانی پدید میآید که قابل پیش بینی نیست و همین اشکالات و موانع موجب کنده کاری شود . رفقای مادر مهاجرت که خواهان رونق سریع نهضت در ایران هستند پس از پلنوم چهارم امید داشتند که ظرف مدت کوتاهی شاهد احیاء نهضت در ایران خواهند بود و چون مدتی گذشت و آثاری از احیاء نهضت برای آنها مشهود نیفتاد تمام سنگینی این عدم موفقیت را بد و شریعت اجرائیه انداختند غافل از اینکه اگر در کار عوامل داخلی نهضت نیز هیچگونه ضعف و فتنی وجود نداشت باز مشکلات عینی موجود مانع از آن بود که در این مدت انجمن رونقی در کار حزب در ایران پدید آید که نتایج آن هم در مهاجرت و هم در ایران انعکاس پیدا کند . معیناً مطالعه مطبوعات و اخبار واصله از ایران نشان میدهد که هم اکنون فعالیت حزب توده ایران در کشور بدون انعکاس نبوده است .

از طرف دیگر رفقا بد رستی فعالیت هیئت اجرائیه را ارزیابی نمیکنند . اولاً بعزت اینکه از نظر آنها فعالیت در زمینه احیاء سازمانهای حزبی در ایران تاکنون انعکاس پیدا نکرد و بغلط نتیجه میگیرند که هیچ کاری در این زمینه انجام نگرفته است . ثانیاً بعزت اینکه وظیفه اساسی مادر شرایط کنونی تجدید فعالیت سازمانی و تبلیغاتی حزب در ایران است اقدامات دیگر هیئت اجرائیه را یا بکنای عاری از ارزش میگردانند یا آنها را رجز امور فرعی بی اهمیت بشمار میآورند . بدون شک در کار سازمانی و تبلیغاتی و تعلیماتی ما ظرف یکسال و نیمی که از پلنوم چهارم میگذرد قدمهایی برداشته شده است . در زمینه ربط همکاری و تخفیف اختلافات در میان اعضا هیئت اجرائیه بهبودی روی داده است . همکاری رفقای حزبی و پشتیبانی آنها لا اقل از اقدامات هیئت اجرائیه و همچنین کوشش رفقا در ایجاد وحدت و صمیمیت در درون حزب نمیتوانست نتیجه بیشتری بآورد ولی همین هجوم و حمله رفقای حزبی مقیم مهاجرت به هیئت اجرائیه در کار هیئت حزب تا شومنی داشته است .

در شرایط کنونی که دشمن بادیده گان باز فعالیت حزب ما را میگرد و پیوسته در دنبال ایجاد تفرقه و پراکنده گی در صفوف آنست حزب ما برای انجام وظیفه اساسی خود یعنی احیاء سازمانها و تجدید فعالیت در ایران بوحدت پیش از هر چیز نیازمند است ووحدت حزب در سایه وحدت ایدئولوژی و فاداری عملی با اصول مارکسیسم - لنینیسم میتوانند تحکیم و تقویت شود .

جادارد رفقا که بهبود حزب و خروج از بحران کنونی را هدف قرار داده اند در رپورتوا ل لنینی بروش خود اندکی پیوند یسند . باشد که بر اثر آن حزب ما وحدت خود را تحکیم کند و با قدمهای محکمتری بسوی انجام سریع وظایف اساسی خویش پیش رود .

سبک صحیح در بحث حزبی

و اهمیت حلیر آن در بحثی مبارزه درون حزبی

مبارزه درون حزبی مبارزه یا تضادی است در داخل خلق - مبارزه ایست بین درست و نادرست بین خط مشی صحیح و خط مشی انحرافی • خط مشی صحیح حزب پیوسته در نبرد با خط مشی انحرافی، حقیقت پیوسته در نبرد با خطا پدید میشود، دقیق تر میشود و بسط می یابد • یکی از اشکال مهم بروز نبرد ایده‌های در حزب عبارتست از بحث و پولمیک حزبی که موافق مقررات تشکیلاتی خواه بطور کتبی و خواه شفاهی، خواه بین افراد خواه بین ارگانها، خواه در جلسات محدود و خواه در جلسات وسیع حزبی • زیرا تردیدی نیست که حاملین نظریات اعم از درست و یا نادرست این نظریات را عرضه میکنند و عرضه این نظریات خواه کتبی باشد خواه شفاهی با نظریات متقابل روبرو میشود و از برخورد این نظریات است که بتدریج حقیقت و خط مشی صحیح زائیده میشود •

هر قدر سبک بحث و پولمیک حزبی - این مهمترین شکل بروز نبرد ایده‌ها در حزب درست و علمی باشد زایش حقیقت، نتیجه گیری از بحث، حل تضاد آسانتر و سریعتر است •

هر قدر سبک بحث و پولمیک حزبی - این مهمترین شکل بروز نبرد ایده‌ها در حزب نادرست و غیر علمی باشد زایش حقیقت، نتیجه گیری از بحث، حل تضاد دشوارتر و طولانی تر است •

بدینسان توجه بسبک صحیح در بحث و پولمیک حزبی اهمیت حساسی برای رشد سریع ارگانیک حزب، سیر حزب از آشفتگی بنظام فکری و سازمانی کسب میکند •

تجارب عده‌ها نشان داده است که در حزب ماسبک بحث و پولمیک حزبی در بسیاری از موارد صحیح نیست • با توجه باینکه مقدار زیادی از شیوه‌های غلط که در بحث و پولمیک حزبی بکار میرود و حتی مقدار زیاد آن ناشی از بی اطلاعی از سبک صحیح بحث است، روشن کردن این سبک صحیح مسلمانان را بهبود جریان بحثها و پولمیک حزبی، بویژه در این دوران که حزب در اثر جریانات درونی خود بدان نیازمندی شدید دارد اهمیت خاصی کسب میکند •

نخستین شرط بحث حزبی و علمی آنست که دو تر متقابل و متضاد که نمونه د و فکر متضاد هستند بنحوی صریح و روشن مطرح شوند یعنی ابتدا باید دانست: " چه میگوئیم؟ چه میگوید؟ " .
 در اثر طرح صریح و روشن د و نظر متقابل د دیگرسیم آنکه مدتی بحث به بیراهه برود و پس از جنبالهای زیاد معلوم شود که اصلا بحثی نبوده یا حرف یکدیگر را درست مطلع نشده اند. و " هیاهوی بسیاری برای هیچ " برآید انداخته اند منتفی میشود .
 برای آنکه مطمئن شوید نظر طرف بحث را چنانکه او میگوید درک کرده اید (زیرا همیشه بیم استنباط غلط از الفاظ و جملات و معانی متصوره برای الفاظ و اصطلاحات وجود دارد) بد نیست که یکبار نظر طرف را برای او تکرار کنید و وقتی قبول کرد که شما نظر او را بد رستی درک کرده اید بمرحله بعدی بحث انتقال یابید .

بهترین روش علمی (البته در صورتیکه ممکن باشد) آنست که نظرهای متقابل بطور کتبی د برابر هم قرار گیرد . گرفتن نظر از طرف نباید بمنابه " گرفتن سند " و یا " مدرک قضائی " تلقی شود .
 اگر مابه د موکراتیم واقعی حزبی باورد اریم برای ما مهم کمک بروشن شدن رفیق است نه برجسته کردن خطای او . اصولا باید از شادی د برابر خطای طرف ، بزرگ کردن آن بهمان اندازه پرهیز کرد که از مسکوت گذاشتن آن و اغماض غیر حزبی د رقبال آن . نباید فراموش کرد که گاه رخ میدهد که رفیقی فکر خود را خواه کتبی خواه شفاهی نمیتواند بخوبی فرموله کند ، در اینموقع باید در نهایت صمیمیت با او کمک کرد که فکرش را با دقت تمام فرموله کند و فکر نکرد که چون طرف بحث نمیتواند حرف خود را خوب افاده کند از این کیفیت میتوان سو استفاده نمود . چنین شیوه هایی در بحث حزبی پسندیده نیست ، مخالف وجدان علمی و حزبی است ، در خورد عناصر خود پسند .
 پس از آنکه نظر ها کاملار روشن شد " چه میگوئیم و چه میگوید " باید روشن شود که اختلاف همانا بر سر چیست . روشن شدن موضوع اختلاف مسئله مورد تنازع اهمیت اساسی دارد زیرا بحث باید بر سر مسئله مورد تنازع انجام گیرد . مسئله مورد تنازع گرهگاه تضاد است و اگر بحث آنرا حل نکنند تضاد در ارفع نگردد . است . خطاست که بحث در اطراف مسئله مورد تنازع د وریزند و بنکات فرعی و غیر عمد و نظر طرف بهبود آزد .

بدینسان مسئله " چه میگوئیم و چه میگوید " و اختلاف بر سر چیست " د قیقا روشن میشود و مرحله اول بحث یعنی روشن کردن حد و د و شعور تضاد پایان می یابد ، تضاد مطرح میگردد .
 طرح تضاد کافی نیست . باید از مرحله طرح تضاد بمرحله مبارزه متضادین منتقل شد . مرحله مبارزه متضادین همانا بحث یا پولمیک یا استدلال متقابل نام دارد . اگر ما در همان مرحله اول بمانیم نظرمابه دعوی صرف محدود میشود و هر قدر هم نظر خوبی باشد قدرت اقناعی ندارد . اگر ما در زمان

مرحله بهمانیم به مرحله آخر که تضاد را حل میکنند نمیرویم و حال آنکه وظیفه ما حل صحیح تضاد های داخل حزب است .

اما استدلال باید در متن مسئله مورد تنازع انجام گیرد و از جنبه شخصی ، روشهای غیر منطقی غیر علمی مبری باشد . باید پیوسته با دقت استدلال طرف را شنود ، بدرستی درک کرد و آنرا رد کرد و اگر لازم باشد استدلال اثباتی جدیدی آورد . شاید لازم باشد در جریان استدلال مسائلی که از هم جدا میشود تفکیک کرد و یکی یکی پرداخت تا بحث به بیراه نرود . مرحله مبارزه و نظر متضاد یا جریان بحث و احتجاج مرحله بسیار حساسی است . باید در این مرحله حساس پیوسته این قاعده را بمثابه قانون مقدم در نظر داشت که هدف از این بحث و احتجاج و استدلال متقابل کشف حقیقت حل تضاد از طریق اقتناع رفیقانه علمی است نه غلبه یا قتل بر طرف . اگر کسی بترسد از اینکه نظرا و خطا از آب درآید و مصر باشد که حتما در بحث پیروز شود و برای اینکار شیوه های غیر منطقی ، غیر علمی ، غیر رفیقانه و حتی غیر انسانی بحث را روایت کند آنکس بحث و پولهیک را که شکل ضروری حل تضاد های ایدئولوژیک در حزب است بوسیله تعمیم تضادها و پخش تفرقه در حزب میدان کرده است . باید در طی بحث با توجه باین قانون اساسی ، " کشف حقیقت از طریق اقتناع " نهایت وجدان علمی و رفیقانه مراعات گردد و از جانب طرفین بحث برای حل تنازع و تبدیل بحث بنوعی مبارزه برای حصول وحدت عمیقتر تلاش مصممانه مبذول شود . بدین منظور رعین آنکه باید در بحث جدی ، با کارا کتر ، صریح بود ، باید هر گامی که در کادراصولیت و علمیت برای نزدیک کردن دو موضع یا انتقال بیک موضع ثالث کاملتر و دقیقتر لازم میشود بی درنگ و با شهامت اخلاقی برداشت ، یعنی جریان بحث باید بیک جریان منجمد نیاشد بلکه ملول از حرکت بجانب انتقال موضع مشترک باشد . اشغال موضع مشترک مرحله حل تضاد و مرحله آخرین بحث خلاق است .

هدف ما اشغال موضع مشترک و حل تضاد و تنازع است ولی بدترین کار آنست که از طریق سازش ، التقاط و ترکیب مکانیکی و نظیر متقابل ، سالمسی ، ماستمالی ، گذشت غیر اصولی ، تنبلی و خستگی دست باین عمل بزنیم . اشغال موضع مشترک تنها بر اساس اقتناع صادقانه و اصولی و طرف بحث صحیح است لا غیر . بدینسان بحث از سه مرحله اساسی میگردد - مرحله طرح تضاد ، مرحله مبارزه بین متضادین و مرحله حل تضاد . این مرحله آخرین مرحله عملی است و مقام حزب در آن ذی بعد خل است .

مناظرانه این قواعد در بسیاری موارد مراعات نمیشود . ای چه بسا که در رفیق باهم مدتی بحث میکنند بدون آنکه حرف بزنند یا آخر گوش داده باشند و نظریکدیگر را بخوبی درک کرده باشند . گاه بحث جنبه لفظی دارد ، گاه بحث در نکات غیر عمد و حرف طرف مطرح میشود و حال آنکه اساس بحث در مسئله دیگری مورد تنازع است نه این یا آن جنبه غیر عمد و نظریات و استدلال طرف بحث .

گاه تزها و موارد متنازع روشن نیست و گوششی هم برای روشن شدن تزها نمیشود، گاه جریان استدلال با شیوه های غلبه جوئی و احتراز از قبول خطا و شیوه های سفسطه و مغلطه همراه است و هدف کشف حقیقت از طریق اقناع صادقانه نمیباشد، گاه طرفین هدف اساسی بحثی را که حل تضاد برای حصول وحدت عمیقتر است درک نمیکنند و آنرا میدان جنگ و غلبه و فصاحت فروشی و غیره و غیره مبدل میکنند *

تجربه خزیی نشان میدهد که عدم مراعات این قواعد اساسی بحث بجای تیدیل آن بحرینه " نیل بوحدت عمیقتر" آنرا بحرینه " تعمیق تضاد و آشفتگی " بدل کرده است * چقدر خوبست همه رفقای حزبی با مطالعه این نکات و مراعات آن وواداشتن رفقای دیگر مراعات آن بحث و پو لمیک حزبی را که اکنون در حزب مایک جریان ناگزیر ضروری است و در مقیاس وسیع انجام میگیرد بیک پروسه سالم و خلاق مبدل سازند * اگر بحث در داخل حزب موافق نظم و ترتیب و مراعات اصول ضروری یک بحث حزبی انجام پذیرد مسلماً مقوی ارگانسیم حزبی است * بهمین جهت در هر جا که بحثی در حزب انجام میگیرد باید به منظم کردن آن بحث و مراعات دقیق موازین بحث علمی حد اکثر توجه مبدول گردد *

قبل از خاتمه این مقال این نکته را نیز باید متذکر شد که باید از دور و روش نادرست : بحث افکنسی زائد و یا احتراز از بحث اقناعی باریق هردو پرهیز کرد * بحث افکنسی زائد جنبش را بکلوب بحث مبدل میسازد و احتراز از بحث اقناعی مانع رفع اشتباهاتی میشود که باید در اثر آموزش و مبارزه ایدهای رفع شود *

این بخشنامه در تاریخ ۳۰ دیماه ۱۳۳۷

در هیئت اجرائیه تصویب شد. برای واحد

های حزبی ارسال گردید.

• • •

حکامه

نگیله واحدی حزبی، در مهاجرت

رفقای عزیز

مطالعه اوضاع سازمان در مهاجرت نشان میدهد که بتدریج پاره ای شیوه ها و اقدامات غیر تشکیلاتی در میان واحد ها و افراد حزب مارسوخ می یابد، بطوریکه اخیراً بعضی از واحد ها و اعضا^ء حزب ماد مهاجرت دست با اقداماتی میزنند که با اصل مرکزیت و مکرانیک و موازین سازمانی حزب طبقه کارگر سازگار نیست.

بدیهی است غرض از جلب توجه افراد و واحدهای حزبی بر رعایت اصول و موازین تشکیلاتی انکار یا محدود کردن حقوق و مکرانیک اعضا^ء حزب و یا مبالغه در جهت مرکزیت بضرر مکرانسی حزبی نیست. بعکس هیئت اجرائیه عقیده دارد که تکامل در مکرانسی در درون حزب (بویژه در این جهت که عموم افراد حزب امتنان یابند در مورد کلیه مسائل سیاسی و تشکیلاتی در نادر اصول اساسی حزب و موازین سازمانی مداخله نمیدهد؛ آزادانه بحث و اظهار نظر نمایند) بهترین وثیقہ تحکیم مبانی حزب و پیشرفت آرمانهای عالی آنست ولی بطوریکه از اسناد و مدارک موجود برمیآید عده ای از اعضا^ء حزب و حتی برخی از واحد های حزبی ماد مهاجرت در مکرانسی داخلی حزب را با آزادی مطلق در مباحثات و عمل، با آزادی در مبادرت با اقدام^ء روراء^ء مقررات سازمانی و تصمیمات ارگانهای رهبری حزب اشتباه میکنند.

این رفتار^ء پیوند ناگسستنی که بین جهت اصل مرکزیت و مکرانیک وجود دارد توجه ندارند و همین سبب جدیدی برای حقوق و اختیارات خود قائل نیستند و رعایت موازین سازمانی را در مورد استفاده از این حقوق و اختیارات نیز لازم نمیشمرند.

حاجت با استدلال نیست که این نحوه برخورد بمسئله در مکرانسی حزبی در حقیقت بمنزله نفی لزوم

ارگانهای رهبری کنند و حزب و تجویز آثارش سازمانی بجای مرکزیت و مکرانیک است.

جای تردید نیست که اگر این شیوه عمل و این قبیل نظریات بتواند در صفوف حزب مارخنه کند نه تنها

بپایه های اساسی حزب مالطمه میزند بلکه در شرایط دشوار کنونی موجودیت حزب توده ایران را نیز ب...

مخاطره خواهد انداخت .

به همین سبب هیئت اجرائیه ضروری وسود مند میسرمد که با جلب توجه رفقای حزبی پلنوم مراعات اکید موازین و مقررات سازمانی چند نمونه از مواردی را که در جریان چند ماه اخیر در این زمینه مشهود گردیده است ضمن این بخشنامه بنظر عموم رفقای حزبی برساند :

۱- چندی پیش اعده ای از رفقای حزبی مقیم یکی از مراکز عمده مهاجرت ماتحت عنوان بررسی پوض رهبری حزب توده ایران واتخاذ تصمیم درباره اهمیت و ترکیب رهبری آینده مبادرت به تشکیل مجامع وسیعی نمود که سلسله مسائل عمده راجع به حزب و رهبری آنرا مورد مباحثه قرار داده اند و سپس کوشیده اند تا حوزه های حزبی را به بحث در ازاراف این مسائل واتخاذ تصمیماتی در این باره سوق دهند .

هیئت اجرائیه اکنون قصد ندارد درباره ماهیت مسائلی که در این مجامع مورد بحث قرار گرفته وهد فی که هر یک از شرکت کنندگان مجامع مزبور داشته اند اظهار نظر نماید ولی در اینجا تذکار این نکته را لازم میسرمد که اصولا تشکیل چنین مجامعی بدون اطلاع و تصویب مقامات رهبری کننده حزب بخودی خود عملی خلاف موازین تشکیلاتی است .

۲- با آنکه چندی پیش یکی از حوزه های حزبی مادر مهاجرت بمناسبت اینکه در روز کمیته مرکزی نظریات خاص خود را درباره برخی از مسائل داخلی حزب بصورت " بخشنامه " برای واحدهای دیگر و افراد حزبی فرستاده بود مورد انتقاد و تذکر قرار گرفت معذالک اخیرا باز همین حوزه مبادرت بصدر بخشنامه جدیدی درباره مسائل مربوط به تشکیل پلنوم وسیع کمیته مرکزی نمود و با ارسال آن برای واحدهای دیگر و اعضا حزب مادر مهاجرت آنها را بپذیرفتن نظریات خود تشویق کرده است . در تحقیق روش این حوزه و حوزه دیگر بنوبه خود دست بصدر " بخشنامه هائی " زده و آنرا برای سایر رفقا و واحدهای خوبی فرستاده اند .

با آنکه یکی از این بخشنامه هاد رجعت تا عید طرخشی است که هیئت اجرائیه به بحث عمومی گذارده است و لی چون این عملی از لحاظ شکل تشکیلاتی درست نیست در خورد همان انتقادی است که در مورد بخشنامه های دیگر ذکر شده است .

۳- برخی از اعضا حزب بطور فردی یا جمعی مبادرت بجمع آوری امضا ذیل اورا قی نموده اند که حاوی نظریات معینی درباره رهبری حزب و ترکیب آینده آن یا افراد مشخصی از رهبری است . آنچه بیشتر جنبه غیر تشکیلاتی اقدامات اخیرا واضح میسازد وقوع آنها در زمانی است که هیئت اجرائیه بنا به تصمیم پلنوم پنجم مرکزی از کلیه واحدها و اعضا حزب دعوت نموده است نظریات خود را درباره تشکیل پلنوم وسیع آینده از راه صحیح سازمانی با اطلاع هیئت اجرائیه برسانند و بنا بر این

نمیتوان تصور کرد که این اقدامات جزایجاد تشتت بیشتر در اذهان رفقای حزبی نتیجه دیگری داشته باشد •

صفت مشترك موارد سه گانه فوق عبارتست از عدم توجه بموازین تشکیلاتی حزب و نقض اصول مرکزیت دمکراتیک •

بدیهی است هیئت اجرائیه بنا بمسئولیتی که در حفظ موجودیت حزب و صیانت اصول اساسی سیاسی و سازمانی آن دارد نمیتواند نسبت بچنین اعمالی بی اعتناء بماند • بهمین جهت نه تنها رفقای حزبی را از چنین اقدامات نادرستی بر حذر میدارد بلکه از عموم افراد حزب دعوت میکند که هیئت اجرائیه را در کوشش خود برای جلوگیری از این پدیده های ناسالم در درون سازمان حزبی تقویت نمایند •

هیئت اجرائیه اطمینان دارد که این روش مورد تائید اکثریت قاطع رفقای حزبی قرار خواهد گرفت و امیدوار است افرادی نیز که ناآگاهانه مبادرت بچنین اقداماتی نموده یا در اتخاذ چنین تصمیماتی شرکت جسته اند با توجه بعواقب نامطلوب و مخاطراتی که آنارشی سازمانی برای موجودیت حزب و پیشرفت امور آن به بار میآورد صادقانه روش خود را مورد تجدید نظر قرار دهند •

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اخراج از حزب

کمیته مرکزی حزب توده ایران در جریان سه سال اخیر تصمیماتی درباره اخراج بعضی از اعضا سابق کمیته مرکزی و مشاورین آن بنا به علل مختلف : ضعف در مقابل دشمن ، خیانت بحزب و همکاری با پلیس اتخاذ نموده است .

نظریاتی که این تصمیمات تاکنون در اسناد رسمی حزبی منعکس نگردیده است ممکن است عدم اعلام رسمی این اخراجها و علل آن موجب پاره ای ابهامات گردد و بالنتیجه اشتباهاتی در جریان فعالیت حزبی ببار آورد ، هیئت اجرائیه حزب توده ایران در جلسه ۴ شهریورماه ۱۳۲۷ خود مقرر داشت که کلیه تصمیمات مزبور بوسیله مجله مسائل حزبی با اطلاع عموم اعضا حزب برسد .

اینک تصمیمات مزبور با ذکر علل و تاریخ هر یک :

- ۱- بنابه تصمیمی که در جلسه ۲۳ اسفند ماه ۱۳۲۴ کمیته مرکزی اتخاذ شده است دکتر مرتضی یزدی عضو سابق کمیته مرکزی نظریه ضعیفی که از خود نشان داده و نامه هائی که در آذرماه ۱۳۲۴ به دادستانی ارتش و شاه داده اثر به تقاضای عفو خویش نوشته از حزب توده ایران اخراج گردیده است .
- ۲- در تاریخ ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ کمیته مرکزی حزب توده ایران تصمیم هیئت اجرائیه را در اثربخارج مهندس ثروت شرفینی عضو سابق کمیته مرکزی تأیید نموده است و نظریاتی که پس از اعلام تصمیم هیئت اجرائیه مشارالیه مجدداً نامه تسلیم طلبانه دیگری را امضا نموده کمیته مرکزی اخراج وی را از حزب توده ایران قطعی اعلام داشته است .
- ۳- کمیته مرکزی حزب توده ایران در جلسات ششم و دهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۶ پس از بررسی اظهارات ضد حزبی ، وهن آور و تسلیم طلبانه ای که دکتر محمد بهرامی عضو سابق کمیته مرکزی چه در مراحل تحقیقی و چه در فرمانداری نظامی تهران در برابر مخبرین جراید نموده است عمل مشارالیه را خیانت آمیز تشخیص داده و باین مناسبت او را از تمام مقامات حزبی خلع و از حزب اخراج نموده است .
- ۴- بمناسبت اینکه امان اله قریشی عضو مشاور سابق کمیته مرکزی حزب توده ایران روش خیانت آمیز و تسلیم در مقابل دشمن را در پیش گرفته و طبق اطلاعاتی که در دست است از مصنفین کتاب افترا امیز " سیر کمونیسم در ایران " میباشند کمیته مرکزی حزب توده ایران در جلسه ۲۱ تیرماه ۱۳۲۶ خود ویرایعالت همکاری با پلیس و خیانت از تمام مقامات حزبی خلع و از حزب توده ایران اخراج نموده است .
- ۵- نظریه لائل مسلمی که درباره همکاری علمی متقی با پلیس و سازمان امنیت موجود است هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در جلسه چهارم شهریورماه ۱۳۲۷ خود مشارالیه

رابطت همکاری با پلیس و خیانت از حزب توده ایران اخراج نموده است .
توضیح اینکه در کنگره دوم حزب بسمت عضو مشاور کمیته مرکزی انتخاب و از طرف پنجم چهارم
به عضویت کمیته مرکزی برگمارده شده بود قبل از تصمیم هیئت اجرائیه دایره اخراج مشارالیه
از حزب توده ایران در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۲۶ طبق تصمیم پنجم پنجم کمیته مرکزی از کمیته مرکزی
اخراج شده است .